

دوگانه ای متضاد (خیر ضد شر) در شعر فارسی

(بر رسی انتقادی وتحلیلی)

الثنائية المتضادة (الخیر ضد الشر) في الشعر الفارسي

(دراسة نقدية تحليلية)

نگارش

مراد كاظم فرحان نعيمی

الملخص

الثنائية الضدية : - مصطلحا شاملا يعقد على كل ما يستعمل التضاد او يدخل في تكوينه ولهذا اصبحت الثنائية ((ظاهرة نقدية مثلما هي تكوينية مارست المعايينة داخل النص لتكشف دلالات النص ومستوياته الايقاعية المتشكلة عبر التضاد او من التضادوهو اصل نقدي وبلاغي جديد افردته البحوث المعاصرة)) 1 ، اي ان الثنائية هي صلب الدراسات البنيوية للمعنى والتي اتخذت منطلقا لها ثنائية الظواهر فزعمت انها خاصة في خصائص الفكر الانساني 2 .

ويرى بعض النقاد ان توظيف الشعراء لهذه الثنائيات المتضادة في قصائدهم لاياتي بشكل عفوي بل بشكل دقيق ومحسوب اي ان ((لهذه الظاهرة وظائف دلالية وجمالية عديدة يتعامل معها الشاعر بوعي ، وبرؤية معمقة ، وحساسية مرهفة ، ومن اهم هذه الوظائف تعميق البنية الدرامية للنص من خلال اثاره الوهج الصراعى بين المتناقضات ، ثم تعميق البنية الفكرية للنص من خلال حركية الجدل الصراعى بين الثنائيات المتضادة ، اما الوظيفة الجمالية فتجسد باثارة الدهشة المفارقة المتولدة من اجتماع النقيضان في الحياة ، يتعايشان ويتصارعان في القصيدة الواحدة ، كالموت والحياة ، والنور والظلام ، والخصب واليابس ، وهناك ايضا وظيفة معرفية عامة قائمة على اساس اننا لانعرف الشيء بدقة وعمق الا من خلال معرفة نقيضه ، وذلك النقيض يوفر لنا امكانية المقارنة بين الشيء ونقيضه وان المفارقة تساعدنا على الاستنتاج وبناء تصور معرفي من الاشياء ومعرفة الايجابى والسلبى من خلال عملية المقارن)) 3 .

1- التضاد في البحث النقدي والبلاغي عند العرب ، ارکان حسين مطير الصرايفي العبادي ، اطروحة دكتوراة ، كلية الاداب ، جامعة بغداد ، 2006 (المقدمة) .

2- تحليل الخطاب الشعري (استراتيجية التناس) . د. محمد مفتاح ، المركز الثقافى العربى - الدار البيضاء - المغرب - الطبعة الاولى ص 160 ، 1985 م .

3- ذاكرة الارض ، ذاكرة النار ، دراسة ناهض حسن (فائز العراقى) ، منشورات اتحاد الكتاب العرب - دمشق ، 2004 (المقدمة) .

اي كما يقال :- ((الاشياء تزداد بياناً بالاضداد)) 4 .

وكما تذكر الدكتورة مي في اطروحتها : ((ان الثنائية بنية فكرية تتسم بخاصية معمقة تضيف جمالية خاصة على النص الشعري ، منطلقة من زاوية رؤية المبدع واسلوبه الفني وكيفية تعامله مع مفردات اللغة وتطويرها ، اذ يبدع من خلال ملكته الفنية التي تمكنه من الانتقال من الدلالة المباشرة والسطحية الى الغموض الفني غير المستغل و الدلالة المعمقة التي تفهه من السياق الشعري)) 5 .

لم نتوقف على نص شعري واحد وانما جعلنا فهمنا الدقيق لنصوص شعرية اخترناها وحللناها وحاولنا من خلال البحث معرفة تفاصيل النص وجزئياته ، واستنتطق الثنائيات المتضادة لهذا التضاد .

توفر بحثنا بعد المقدمة على ثلاثة اقسام

اولا : مفهوم الثنائية ، التضاد .

ثانيا : مفهوم الثنائية المتضادة (الخير والشر) من الناحية الفكرية .

ثالثا : مفهوم الثنائية المتضادة (الخير والشر) من الناحية الادبية .

4- اسرار البلاغة في علم البيان ، الامام عبد القاهر الجرجاني (ت 471 هـ) ، علق حواشيه السيد محمد رشيد رضا ، دار المعرفة للطباعة والنشر ، بيروت - لبنان الطبعة الثانية (1404 هـ) ص 24 .

5- الثنائيات المتضادة في شعر الصعاليك ، ط، مي وليم عزيز بطي ، بغداد 2008 م ص 10 .

پی‌شگفتار

ظهور و پیدایش پدیده دوگانه ای متضاد (خیر ضد شر) با آغاز بشریت مقترن بوده است .
نگاهی سریعی به کتاب مقدس اسلام یعنی (قرآن مجید) ، این حقیقت را بطور واضح و آشکار بیان و شرح می دهد .
خدای متعال می فرماید : ((وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ)) سورة المائدة : 27 .

پس بطور واضح می بینیم نخست کسی ، معانی شر را بر روی زمین گذشت ، قابیل بود که بعلت نواز ع شری که در درونش می جوشید ، می خواست برادرش (هابیل) را بکشد .

شاعران فارسی نیز در جاهی بسیار از اشعار خویش بدین مساله هم اشاره کردند . از این رو ، پژوهنده خواست با بضاعت مزجات خود این پدیده را در شعر فارسی بوسیله تجزیه و تحلیلی نمونه هائی چند ، مورد بحث و بررسی قرار دهد .

و چون بر رسی این مساله بطور عمیق احتیاج به صفحات بسیار و نمونه هائی زیاد دارد ، و این موافق با روش این پژوهش نبود ، باعث دید که بطور مختصر موضوع را بوسیله بر رسی نمونه هائی کمی از شعر فارسی قدیم وجدی پردازد .

از اینجا موضوع را به پی‌شگفتار و سر آغاز (تمهید) وسه مبحث و نتیجه گیری ، تقسیم نموده است ، و بدین طور است :

مبحث اول : تضاد از سوی لغت و اصطلاح .

مبحث دوم : مفهوم دوگانه ای متضاد از ناحیه فکری و عقلی .

مبحث سوم : مفهوم دوگانه متضاد از سوی نظر ادبی .

و در پایان بحثنتیجه گیری آمده است که متضمن مهمترین نتایجی که بحث بدان رسیده بود .

سر آغاز

شاعران فارسی مانند دی‌گر شاعران اممها به کاربرد آرایه های بدیعی در همه ادوار ادبیات فارسی ، توجه و اهتمامی مخصوص داشته اند .

دوگانه ای متضاد (خیر ضد شر) یکی از پدیده های ادبی معروف در ادبیات جهانی بشما می رود .

از این رو ، بسیاری از شواهد کتبی که اهتمام به علوم بلاغتی داشت ، متضمن اشعاری از این نوع بوده است ، مانند : حسن تعلیل ، متضادها ، و دی‌گر از آنها .

دوگانه ای متضاد ، یک اصطلاح شاملی است که بر همه آنکه ، تضاد را بکار می‌بردند یا ربطی با آن دارد ، اطلاق می شود .

ازین رو ، پژوهنده دید سرآغازی برای ورود به این موضوع مهمی بنویسد ، تا خواننده بتواند دیدی آشکار در باره این موضوع داشته باشد .

پس می توان گفت ، دوگانه ((پدیده ای انتقادی یا تکوینی شده است که بطور دقیق ، متن ادبی را بحث و بررسی نموده تا بتواند ، دلایل متن و سطح ایقاعی آن را که بوسیله تضاد ، یا از آن متکون است ، کشف کند .. نیز آن هم یک اصل انتقادی و بلاغتی تازه است که پژوهش های همزمان آنرا جدا نمود))⁽¹⁾.

معنی آن ، اینست که دو گانه اصل و محور بر رسی های ساختمانی معنی است که از دوگانه پدیده ها آغاز نمود ، و ادعا نمود که آن یک ویژه ای از خصایص فکر بشری بشمار می‌رود⁽¹⁾ .

برخی از منتقدان می بینند که بکار بردن شاعران به این دوگانه های متضاد در اشعار خود بطور نا مقصود هرگز نیامده است ، بلکه آن بطور دقیق و مقصود به عمل آمده است .

پس ، این پدیده ، وظایف دلالتی و زیبائی متعدد و گوناگون در متن ادبی دارد ، که شاعر با آن می‌تواند بطور دقیق ، و با فهم ، و تأمل عمیق ، و حس باریک نگاه کند .

از مهمترین وظایف آن ، ساخت محکم است به ساختمان درامی متن که بوسیله تحریر و بر انگیزش جرقه اختلاف و کشمکش میان دوگانه های متضاد می‌باشد . سپس ساخت محکم است به ساختمان فکری متن که از خلال انگیزش مجادله اختلافاتی میان دوگانه متضاد می آید .

وظیفه زیبائی نیز بوسیله بر انگیزش مات و مبهوتی مفارقه ای که متبلور از وجود این دو متضاد در یک بی‌تی یا یک قصیده ای متجسم می سازد ، درست همانطوری که دو متضاد در زندگی ، همزیست می کنند ، آنها هم در قصیده شاعر مانند مرگ و حیات ، و روشن و تاریک ، و خصب و خشک ، باهم زندگی و مبارزه می کنند⁽¹⁾ .

دوگانه ای متضاد نیز وظیفه ای معرفی و دانشی عمومی دیگر دارد که مبتنی بر نظریه معرفت چیزی بطور عمیق و باریک از طی پی بردن و فهم متضاد و بر عکس و نقیض آن می‌باشد ، یعنی چنانکه گفته می‌شود : ((الأشیاء تزاد بیانا بالأضداد))⁽¹⁾ یا ((وبضدها تتبى الأشياء))⁽¹⁾.

نیز می توان گفت که دوگانه ، ساختمان هنری و فکری است که ویژه ای مخصوص و ژرف دارد ، زیبائی مخصوص بر متن شعری منعکس می کند که از نظر ابداع کننده و روش هنری ، و چگونگی رفتار خود با مفردات

والفاظ لغت و استعداد ولی‌باقت پذیرش آن ، سرچشمه می‌گیرد . و از خلال قابلیت و قدرت و توانائی هنری خود که او را کمک می‌کند بر انتقال از دلالت مستقیم و پیدایا به پیچیدگی هنری نا مبهم و دلالتی عمیق که از سیاق شعری استنباط می‌شود (1) .

پس ، می‌توان گفت که دوگانه‌ها بطور عمومی ریشه‌ای در ظواهر یا پدیده‌های طبیعی و فکر انسانی دارد که زندگی بشری در کناره از اندیشه متضاد و دوگانه‌ها نمی‌توان دریافت و توضیح داد ، بی‌گمان که ((زندگانی در بسویاری از جنبه‌های خود مبتنی و قائم بر متضادها و دوگانه‌ها است)) (1) .

و هر دوگانه‌ای از آنهایی که دو طرف متضاد و متقابل دارد ((بدون آنکه هر دو آنها باهم اختلافاتی داشتند)) (1) ، نشاط زندگی و اصل و همیشگی و برابر آن بر قرار می‌شود .

از این جهت ، می‌توان گفت که دوگانه ، اساس و محور مطالعات ساختمانی معنی است که ((دوگانه ظواهر را برای خود بعنوان آغازی‌ها گرفت ، بگونه‌ای که ویژه‌ای از ویژگی‌های فکر بشری شده است)) (1) .

تقابل نیز میان دو واژه می‌باشد ، بویژه وقتی که هر دو آن لفظ به یک طبقه پیوندی دارند ، بطوری‌که در برخی از وسایل شریک می‌شود و در برخی دیگر اختلافی دارند ، مانند : گرم × سرد ، بالا × پائین ، و دی‌گر از آن است (1) . بیشتر امور انسان و رفتار خود در متعلقات زندگی نیز دوگانه‌ای است ، مانند :

زندگی × مرگ . خواب × بیداری . دانش × نادانی . ترسی × دلیری . لذت × درد . دوستی × دشمنی . نیازمندی × توانگری . درست × نادرست . حق × باطل . خیر × شر . زشتی × نیکی . و نظایر آن از اخلاق و افعال و گفتارهای متضاد متباینی که از انسان سر می‌زند که وی عبارت است از دسته‌ای از گروهی بدن منسوب به جسم (جسمانی) و دم روحانی (1) .

ازین رو ، می‌توان گفت ، دوگانه‌ای متضاد (خیر و شر) پدیده‌ای ادبی و هنری سزاوار بحث و بررسی در میدان شعر فارسی دارد .

یاد ذکر است ، باحث مدعی نیست که بحث خود شامل همه زمینه‌های این موضوع است ، ولی آن کوششی در مسیر تکامل علمی این پدیده بشمار می‌رود ، چون مخفی‌نماید که هر پدیده‌ای علمی یا هنری مثل دری‌های بزرگ و پهناوری که از منابع مختلف سرچشمه می‌گردد ، و به دهانه‌های نا متناهی می‌ریزد .

تضاد از سوی لغت و اصطلاح :

تضاد از سوی لغت :

کلمه (تضاد) در فرهنگ های عربی از ریشه (ض - د - د) آمده است . و (ضدّ) در زبان بر هر چیزی که با چیز دیگر مخالفتی داشته باشد ، اطلاق می شود . و (ضدّالشیء) به معنی خلاف آن چیز می‌آید ، و برای مثال : شب ضد روز و سیاهی ضد سفیدی است (1) .

اگر نگاهی گذرا به معنی این واژه در فرهنگهای قدیم زبان فارسی بی‌فکنیم ، می توان فهمید که واژه (تضاد) یا (متضاد) ، که آن اساس دوگانه می باشد ، به معنی زیر می رساند : (با یکدیگر دشمنی کردن) یا (ناهمتای کردن) . (زوزنی) . (با یکدیگر مخالفت کردن) . (از اقرب الموارد) . (با همدیگر ضد بودن و با همدیگر دشمنی کردن) . (غیاث اللغات) (آندراج) . (مخالف یکدیگر بودن و با هم خصومت کردن) . (ناظم الاطباء) . (ناهمتا شدن و بی همتایی کردن) (دهار) (1) .

اما در فارسی امروزی ، این کلمه بدین طور آمده است : تناقض و تخالف و عدم توافق و ضدیت و ناسازگاری .. دشمنی . مخالفت : سگ صیاد بر سبیل عادت راسو مشاهده کرد، تضاد طبیعی و خلاف صناعی در وی بجنبد درجست و راسوی را بکشت . و تضاد و تنافی از مزاج طبایع اربعه برخیزد و دور نبود که عقرب سنان نیفکند و خارپشت تیر نیندازد (1) . برخی از نقادان همزمان ، اصطلاح (تضاد) را به جای (اضداد) به کار برده اند (1) .

تضاد از سوی اصطلاح :

بهترین تعریفی برای (اضداد) از دانشمند معروف (ابوالطیب لغوی) است که می گوید : ((اضداد جمع ضد است و ضد هر چیز ، چیزی است که آن را منفی کند ؛ مثل سفیدی و سیاهی ، شجاعت و ترس ؛ اما هر چیزی که با چیز دیگر اختلاف داشته باشد ضد آن شمرده نمی شود، چنان که قوت و جهل مختلفند ؛ اما ضد هم نیستند، بنابراین هر کلمه ای را که دو معنای مختلف دارد نمی توان از الفاظ اضداد به شمار می آورد)) (1) .

اصطلاح (تضاد) نیز در کلمات قرآن به این معناست که برخی واژگان قرآن دو معنای متضاد داشته باشد؛ مانند (عسعس) که در آیه زیر آمده (وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ) (1)، که به معنای (رو آوردن) و (پشت کردن) است (1) . تضاد نیز یکی از صنایع معنوی و آن جمع بین ضدین یا اضداد است و این صنعت را مطابقه و طباق و تکافؤ نیز نامیده اند (1) .

دکتر سیروس شمیسا نیز می‌گوید: که تضاد: مطابقهء طباق، تطبیق، تکافؤ بین معنی دو یا چند لفظ تناسب تضاد (تناسب منفی) باشد، یعنی کلمات از نظر معنی عکس وضد هم باشند (1).

پارادوکس (paradox) :

از ((مهمترین نوع متضاد در ادبیات پارادوکس یا متناقض و آن وقتی است که تضاد منجر به معنای غریب به ظاهر متناقض شود. اما این تناقضات با توجی‌هات عرفانی، مذهبی، ادبی، توسل به مجاز و استعاره... قابل توجیه است)) (1).

پارادوکس نیز از ((مختصات مهم متون عرفانی است و مثلاً شطحیات صوفی‌ان جملات متناقض نمی‌است که قابل توجیه هستند، قدا از پارادوکس با تعابیر مختلف از جمله شطح و طامات و خلاف آمد و معما یاد کرده اند)) (1).

دکتر احمد مطلوب استاد نامی بلاغت عراقی، تطور و پیشرفت واژه تضاد را نزد علمای قدا مورد بحث و بررسی قرار نمود، و نظر خود را در باره این کلمه بیان نمود که گفت ((آشکار است که اسم مطابقه یا طباق ناسازگاری است، و این واژه دلالت بی‌شتری بر این فن هنری دارد، زیرا که تضاد بر خلاف وضد دلالت دارد)) (1).

مفهوم (تضاد) در موسوعه ای فلسفی بدین طور آمده است که مفهوم آن ((بر اختلاف و تفاوت قطعی یا تام دلالت میکند. و در دو ضد شرطی هست که هر دو آن تحت یک جنس می‌باشند، ما نند رنگ‌ها، سرخ ضد سبز، و درجه ای تضاد بر طبق تعادل بین دو حد و بسته با نسبت نزدیکی هر دو آن از حد میانه، یا دوری هر دو از آن اندازه ای و چگونگی شدت می‌گیرد. و همچنین ادراک‌های حسی و برتری در تصور های عقلی و فکری توضیح و نشان میدهد، گویی که تضاد یکی از نشانه های برتری و روشنی است)) (1).

مفهوم دوگانه ای متضاد از نادی، فکری و عقلی :

برای این که اصطلاح دو گانه ای متضاد آشکارتر می‌شود، پژوهنده دید که سخنی در باره این مفهوم از سوی نظر فکری و عقلی براند.

معلوم است که ((خیر در زبان ضد شر است، و جمع آن خیور باشد، و خیر هر فعل و کاری است که در آن نیکو کار شدن دیگران باشد، و شر نقیض خیر است. او عبارتست از هر عمل ناقص و بدی است که مردم آنرا تقبیح می‌کنند، و آنرا سلیقه های خوبی را می‌گذارند، و جمع آن شرور است)) (1).

ظهور دوگانه‌ها متضاد ، رابطه‌ای با آغاز همان پیدایش هستی داشت ، یعنی به کلمه‌ای دی‌گر ، می‌توان گفت که وقتی (آدم و حوا) در چنگال‌های گناه و خطا افتاده‌اند ، و فرمایشات خدای متعال را مخالفت نموده‌اند ، خداوند ، ایشان را به دور کردن از بهشت مجازات نمود ، و رفتارشان قایم بر فروتنی و قبول کردن برای خواهشها ، و مخالفت فرمان‌های الهی ، باعثی در ظهور دوگانه‌ای متضاد (خیر و شر) گشته است . خدای متعال می‌فرماید : ((وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ، فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ)) (1) .

پس پیدا می‌شود که ((اغلب کارهای انسان و رفتار و احوال او دوگانه‌ای تضادی می‌باشد ، مانند زندگی : مرگ ، خواب : بیداری ، دانش : نادانی ، اسماک : سخا ، هراس : دلیری ، لذت : درد ، دوستی : دشمنی ، تنگ دستی : توانگری ، حق : باطل ، درست : نادرست ، خیر : شر ، زشتی : نیکی است ، و هرچه آنرا از اخلاق و کنشها و گفتارهای متضاد متباینی که از انسان صادر می‌شود عبارت است از دسته‌ای از گروهی بدن منسوب بجسم (جسمانی) و دم و نفس روحانی است)) (1) .

چنانکه (عمر خیام) در رسایل خود می‌گوید : ((موجوداتی که ممکن بود در هستی مقدس بطور منظم پراکنده ، سپس برخی از آنها در اصل نهاد ، نه بوسیله‌ای دی‌گر متضاد باشد ، که هر جا می‌باشد تضاد هم می‌باشد و در همین حال آنگه تضاد هست ضرورتاً عدم هم وجود داشته باشد ، و اگر عدم وجود دارد شر هم وجود دارد نیز واجب الوجود سیاهی را آفرید ، و از این رو ، تضاد هم آمد ... نه برای اینکه تا متضاد با سیاهی باشد بلکه آن جوهر ممکن است ، و وجود هر جوهری راجع به این است که واجب الوجود آن را بی‌آفرید و همان وجودی محض خیر است ولی سیاهی اختلاف از آن دارد که آن جوهری احتیاج بالضروره دارد به چیزی دی‌گر متضاد آن باشد ... عنایت جاودانی درست اهتمامی مخصوص به خیر داشت ، ولی این جوهری از خیر هرگز نمی‌توان خالی از شر و عدم یافت ، و شر بغیر از عرض منسوب بدان نیست)) (1) .
 و همچنین گوید : ((برای مثال سیاهی هزار نوعی از خیر و یک نوعی از شر دارد ، و امتناع از فعل هزار نوعی از خیر از بهر دوری از یک نوعی از شر ، شر بزرگی است . یعنی مقایسه‌ای میان خیر سیاهی و شرور آن بزرگتر از هزار هزار به یک است ، و اگر این بدین طور بود پیدا گشت که شرور در همه مخلوقات از سوی عرض نه جوهر موجود است ، نیز شر در حکمت نخستین خیلی کم است ، و وجه مقایسه‌ای میان آن و خیر در زمینه کمیّت و چگونگی نیست)) (1) .

خیام در رباعیه زیر گوید :

هر نیک و بدی که در نهاد بشر است

هر شاد و غمی که در قضا و قدر است

با چرخ نکن حواله کاندر ره ، عقل

چرخ از تو هزار بار بیچاره ترست (1)

خیام ، در رباعیات خود، دوگانه‌ای متضاد (خیر و شر) را بکار می‌برد که در آن ذات حق تعالی را از شر و ستمی تقدیس و تنزیه میکند ، زیرا موجودات هستی بر اساس ترتیب و نظام از وجود مقدس ایشان روان می‌شوند (راه می‌افتند) . و بدین جهت

برخی از آنها قایم بر حاجت متضاد بود ، و می توان گفت که (خیر و شر) بصورت عرض وجود دارد ، نه بصورت ذات در مخلوقات خدای عز و جل است.

شاعر نیز دوگانه ای متضاد (شاد و غم) را به مسئله ای قضا و قدر می پیوند ، و گوید : اساس هر خیر و شر از نفس انسان بود ، و هر شادها و غمها از کنشها به قضاء و قدر می شمارد . و بدین طور ، این رباعی مضمون شعری دلالتی خاص برداشت بطوریکه هر طرز بیان به ما رابطه ای دلالتی و معنایی را بیان می نمود ، و در پیدایش دوگانه ای تضاد خیر و شر سهم معین کرد ، و رابطه ای دوگانه ای متضاد (خیر و شر) به دوگانه ای متضاد (شاد و غم) و مسئله ای قضا و قدری که بوسیله ای ان شاعر رفتار او را به ما توضیح می دهد که رفتار او دلالت بر لفظ و معنی دارد ، و از حیث اندیشه و مضمون نیز بر تضاد دلالت می کند (1).

از جهت دی‌گر ارسطو گوید : ((در دو متضاد بایسته است ، پاکه هر دو متضاد در يك جنس بعینه (به همان جنس) باشند ، یا هر دو متضاد در دو جنس متضاد هستند ، و گاهی این دو متضاد از دو جنس اند ؛ مانند رنگ سفید و سیاه است . این دو رنگ در يك جنس بعینه (به همان جنس) باشند زیرا که جنس هر دو این متضاد ، رنگ است ، ولی داد و ستم است که در دو جنس متضادند که جنس کلمه ای عدل بمعنی (فضیلت) است ، ولی کلمه ای (ستم) بمعنی هرزگی باشد. اما خیر و شر ، هر دو متضاد در يك جنس نیست ، بلکه هر دو متضاد از دو جنس به چیزها اند (1).

قمری جرجانی که در نیمه دوم قرن چهارم هجری می زیسته ، و در سال 403 هـ وفات یافته است (1) گوید :

پدیدار است عدل و ظلم پنهان مخالف اندک و ناصح فراوان (1)

بیت بالا شامل اضداد گوناگون است مثل عدل و ظلم ، آشکار و پنهان ، دوست و دشمن و اندک و فراوان (1) . شاعر در بیت بالا پدیداری را به فضیلت (عدل) ، و پنهان را به هرزگی و ستم و جور گردانیده است و همچنین که شاعر متضاد دیگری را در عجز بیت بالا بکار برده که در آن معنی متضاد بکار برده در صدر بیت بالا نشان می دهد که مضمون آن ؛ فضیلت عدل و داد بیشتر ناصحان و دوستان باشد و به نقایص ظلم و ستم اندک مخالفان و دشمنان است.

مفهوم دوگانه ای متضاد (خیر ضد شر) از نظر ادبی :

شاعران بطور بسیار به موضوع (خیر ضد شر) در اشعار خود اشاره نموده اند ، و برای این هر دو متضاد ، دو معنی وابستگی همدی‌گر را ساخته اند . یکی مادی است که ((هرگاه دوستدار و خواهان در آن شود ، ناپسند می گردد)) (1) و دیگر ، درباره معانی اخلاقی بود . و این هم معنی مادی باشد ، که خیر به معنی سرشتی و اخلاقی باشد و آن عبارتست از هر کاری که مردم از آن استفاده می کنند ، و در آن خوشبخت و کامیاب آنها باشد ، و شر آنرا مقابله می کند ؛ یعنی هر کاری که به مردم را غم و درد می کند و فایده ای از آن نمی‌آید (1) .

در همین وقت ((هر دو متضاد باهم گشتی گیرنده و ستیزه پردازنده است که هر دو متضاد هرگز فراهم نمی آیند ، زیرا اساس وجود هر دو متضاد ، دوری جستن و ضدی باشد)) (1) و ((شاعر اندیشه او را بیان می نماید که به وجود (خیر و شر) می گوید: هر دو متضاد در نزاعی همیشگی باقدر باشند ، یعنی به معنی جهان هرگاه در آن خیر نیست و نه اغلب آن شر است بلکه دو نقیض و ضد بر این وجود از پس یکدی‌گر می‌آیند و بر انسان باید که پند گرفتن از این بگیرد و بازندگی به پرهیز وارد معامله می شود)) (1) .

خداوند ، آدم را آفرید ، و او را جانشین خود در زمین ساخت ((وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)) (1) که نیز با او خیر و شر را آفرید ، و در درونی خود باهم کشتی می گیرند ، چنانکه در این آیهء شریفه آمده است : ((وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا)) (1) .

پس ، می توان گفت که سرشت شخصیت انسانی، نیکی کردن است و شر از جامعه می آید ، و اگر می خواستیم زندگی اجتماعی را اصلاح بکنیم ، باید که نو جوان ونو پیدا شده را به پرورش طبیعی ودوری از مؤثرهای جامعه وشرورهای آنها پرورش بدهیم (1) .

شاعر معروف عنصری بلخی (1) در قصیدهء معروف خود(زاغ سیاه و باز سپید) گوید:

میان زاغ سیاه و میوه	ان بازسپید	شنیده ام
زحکیمی حکایتی دلیبر		
به باز گفت سیه زاغ هر دو یارانیم	که هر دو مرغیم از اصل و جنس یگدیگر	
جواب داد که مرغیم ، جز به جای هنر	میان طبع من و تو میانه هست مگر	
خورند از آن که بماند زمن ملوک زمین	تو از پلیدی و مردار پرکنی ژاغر	
مرا نشست به دست ملوک و یاران است	تورا نشست به ویرانی و ستوران بر	
ز راحت است مرا رنگ و رنگ تو ز عذاب	که من ز فال به معروفم و تو از منکر	
ملوک سوی من کنند و سوی تو نونه	که میل خیر به خیر است و میل شرسوی شر(1)	

آشکار است که این قصیدهء عنصری بالا ، دلالت بر نازش و خود خواهی دارد ، و شاعر در آن دو رنگ متضاد (سپید ، سیاه) را به معانی که بر دوگانهء متضاد (خیر ضد شر) دلالت دارد استخدام می کند که رنگ سیاه در این شعر اشاره به معنی (زشتی ، بدی) ، می کند ، و رنگ سپیدی اشاره به (خوبی و زیبایی) دارد .

پی‌داست که شاعر این دو صفت را یعنی خوبی و بدی در تشبیه بکار برده و همان بشر مقصود بدان تشبیه بوده است زیرا که چیزی موصوف به نفس بشری تعلق دارد و هر چنانکه چیزی موصوف به نفس بشری چسبانتتر باشد، در وصف واقعی باشد (1) .

نیز از پاسخی (باز سپید) که (جواب داد که مرغیم) پی می‌بری م که آن اشاره ای مخفی به مفهوم دوگانه ای متضاد (خیر و شر) بود ، و این هم در کلام بعد (جز به جای هنر میان طبع من و تو میانه هست مگر) متجلی می گردد .

تشبیه دیگر می آید، وقتی که شاعر می گوید که پادشاهان زمین می خورند آنچه که از دهان من می ماند، یعنی که پادشاهان زمین می گیرند آنچه که از سخن معروف و نیکی بیرون می آید، و توشکم خود را از به جای مانده لاشه گندیده و فاسد پر می کند یعنی تو درون خود را سیر می کنی آنچه که منکر و در غایت زشتی و بدی باشد.

شاعر در بیت دیگر که از زبان پرندگان سخن می گوید : مقام و مرتبه و جایگاه من میان پادشاهان والا باشد ، و جای
و جایگاه تو است در ویرانی و ستوران بر .

در دو بیت اخیر به دو رنگ (سپید و سیاه) هم اشاره می نماید که از رنگ سپید باز قرار می دهد که رنگ سپید
، مردم را خوشبختی می کند ، و آنها را سود می سازد .
این رنگ دلالت و نشانه ای بر برکت و نیکبخت و فالی خوب دارد . و به نظر شاعر ، سیاهی زاغ و سیله ای بود برای توصیف
نمودن شر و بد بینی . آخر ، شاعر یک تصویری جالب می کشد که گوید : ((ملوک میل سوی من کنند و سوی
تو نونـــــه که میل خیر به خیر است و میل شر سوی شر)) یعنی : پادشاهان به ما دوستدار و خواهان می شوند ولی
آنها به تو میل ندارند ، زیرا که رنگ تو دلالت بر اندوه و درد و عذاب و غم می شود . نیز تو این مرتبه و منزلت نداری و لذا می
بینی که اصحاب خیر به خیر ، و اصحاب شر به شر میل دارند .

از این رو ، می توان پی برد که مقصود شاعر از به کار بردن کلمات دوگانه متضاد (خیر ضد شر) این است که او خواست
این اصطلاح را بعنوان يك تأثیر روانی نمایان در روح شنونده به وجود بیاید یعنی آنها وسیله ای بودند بدست شاعر برای
درک معانی خیر و دعوت به آن است و هشدار از شر و دور از آن است . شاعر خلیل الله خلیلی که او از اهل افغانستان بود ، در
رباعی زیر گوید (1) :

کشتند بشر را که سیاست این است

کردند جهان تبه که حکمت این است

درک سوت خیر خواهی نـــــوع بـــــشر

زادند چه فتنه ها ؟ مهارت این است (1)

خلیل الله خلیلی در این رباعی به ما مطالعه می دهد و در درون نیت و قصد آن دلالتهای و معنای شر نمایان می بردارد و حالت
ویرانی و کشتار را در جهان تصویر می سازد بحدی که بشر رسیدند و ادعا می کنند که این از بالاترین چیز فکر در آورد ، ولی
نمی دانستند چند از آشوبها و فتنه ها در جهان آوردند و واگذارند و می بینیم که زبردستی شاعر در توصیف جانب روانی معنای شر
پدید می آورد . و سپس از طرف دیگر رباعیت او ملاحظ می کنیم که حقیقت آنها به ما بیان نماید و آنانکه ویرانی و کشتار را
تصویر می سازند که آنرا در درونی نفس آنها بعنوان معنای خیر پنهان می کردند . شاعر بوسیله کلمات زیر (کشتار ، تبه
کردند ، فتنه ها زادند) معانی و صورهای واضح به دلالتهای شر بیان ساخت که این دلالتهای شر را ضد مردم گناه و نیکوکار پنهان
می کنند .

شاعر خلول الله خللی در رباعیه ای دیگر گوید:

شهرت طلبی بی هنر دونی چند

کردند جهان را بجهنم مانند

صد بار زمین بخون مردم تر شد

تا نام فلان ابن فلان گشت بلند (1)

شاعر در رباعی بالا در باره معانی خلی خلی نزدیکی به دو گانه ای متضاد (خیر و شر) حرف می زند .
او در باره شری که بعنوان يك عنصر بسیار سرکش و نا فرمانی کننده ای در زندگی ، سخن می گوید . از مردمی ستمگر ، شهرت طلبی ، پول خواهان ، که انسانیت را و جهان را به جهنم تشبیه کرده اند . آنها تلاش می کردند بوسیله شر و بی هنری به غایت آنها برسند بطوریکه این جهان زیبایی و خوبی را به دوزخ و جحیم و ویرانی وضع می کنند و از راه آلوده کردن زمین به خون های مردم نیکوکار و گناه است تا (برای اینکه) نام فلان بر این عالم زیبایی والا می شود .

و نیز از راه این دوگانه ، ساختمان فکری رباعیه خلیل الله خلیلی به وجود می آید ، و فزونی می یابد تا که این دوگانه متضاد (خیر ضد شر) بمثابة ای انگیزه ای اثر معانی شر می باشد که در درونی نفس بشری ضد معنای های خیر نا محدود و کلی در عالم وجود پدید می آورد.

نتیجه گیری

- بعد از این رحلت عمیق در عالم (خیر و شر) است ، بحث به نتایجی زیر رسیده است :
- کشمکش میانه خیر و شر ازلی و جاودانی است که هر جا زمان امتداد می یابد و دراز می شود این هم ادامه با آن می دهد .
- عمر خیام از شاعران فارسی که دوگانه متضاد (خیر ضد شر را) در اشعار خود برای توضیح مفاهیم انسانیت و عمل خیر بکار برده است و رباعیه خود مضمون شعری دلالتی خاصی داشت .
- عنصری بلخی از شاعران فارسی قدیم که با مهارت کامل بوسیله سمبولی و نمادی توانست این معادله را برای توضیح کشمکش و مجادله میانه خیر و شر استخدام نمود .
- دوگانه های متضاد (خیر و شر) دارای يك تأثیر روانی بر زندگی بشر داشت که سرشت شخصیت انسانی نیکوکاری است و ضد آن شر است که همیشه عامل نا مقبول می باشد که نقش بدی در نابود کردن فضایل و معانی خیر داشت .
- شاعران فارسی زبان همزمان نیز اهتمام به مفهوم دوگانه متضاد داشت و از آنها خلیل الله خلیلی که رباعیاتی مختلف در باره این مفهوم سرود از آن رباعی که در متن بالا آمده است که از خلال آن توانست معانی شر را فاش سازد .

القرآن الكريم

- 1 - أسرار البلاغة في علم اللغة ، الإمام عبد القاهر الجرجاني (ت 471هـ -) ، علق حواشيه السيد محمد رشيد رضا ، دار المعرفة للطباعة والنشر ، بيروت ، لبنان ، الطبعة الثانية ، 1404هـ .
- 2 - الأضداد في كلام العرب ، أبو الطيب ، عبد الواحد بن علي اللغوي الحلبي (ت 351هـ) ، تحقيق : د. عزة حسن : ط 2 ، دار طلاس ، 1996م ، ج 1.
- 3 - تحليل الخطاب الشعري (إستراتيجية التناص) د: محمد مفتاح ، المركز الثقافي العربي الدار البيضاء ، الغرب ، ط 1 ، 1985م .
- 4 - التضاد في القرآن الكريم بين النظرية والتطبيق ، دار الفكر المعاصر ، محمد نور الدين المنجد ، 2007 .
- 5 - ثنائية الشعر والنثر في الفكر النقدي ، بحث في المشاكلة والاختلاف ، د. أحمد محمد ويس ، منشورات وزارة الثقافة في الجمهورية العربية السورية ، دمشق 2002م .
- 6 - الثنائية في ألف ليلة و لية ، إحسان سركريس ، دار الطليعة ، بيروت ، الطبعة الأولى ، 1979م .
- 7 - الحياة والموت في الشعر الجاهلي (مصطفى عبد اللطيف جياووك) ، منشورات وزارة الإعلام ، الجمهورية العراقية ، بغداد ، 1977م .
- 8 - ديوان أبي الطيب المتنبي بشرح العلامة اللغوي عبد الرحمن البرقوقي : حقق النصوص وهذبها وعلق حواشئها وقدم لها : الدكتور عمر فاروق الطباع : المجلد الأول : شركة الأرقم ابن أبي الأرقم للطباعة والنشر والتوزيع : بيروت : لبنان .
- 9 - ذاكرة الأرض ، ذاكرة النار ، دراسة : ناهض حسن العراقي ، منشورات اتحاد العرب ، دمشق ، 2004م .
- 10 - رسائل إخوان الصفا وخلان الوفاء ، دار صادر ، بيروت ، سنة الطبع غير معروفة .
- 11 - لسان العرب ، ابن منظور الأفريقي المصري ، مراجعة وتدقيق البقاعي ، إبراهيم ، شمس الدين ونضال علي ، المجلد الأولى ، بيروت ، لبنان ، (1426 هـ - 2005 م) .
- 12 - المصحف الميسر (تفسير وبيان لكلمات القرآن) الشيخ حسنين محمد مخلوف ، ط 1 ، 1426هـ - 2005 م ، الكشاف ، جار الله محمود الزمخشري ، ج 4 .
- 13 - المعجم الفلسفي ، د. جميل صليبا ، دار الكتاب اللبناني ، ج 2، بيروت 1982م .
- 14 - المنطق ، أرسطو ، حققه وقدم له : د. عبد الرحمن بدوي ، دراسات إسلامية ، مطبعة دار الكتب المصرية ، القاهرة ، 1948م .
- 15 - منهج التربية الإسلامية ، أصوله وتطبيقاته د. علي أحمد مدكور ، مكتب فلاح الكوت الطبعة الأولى ، 1987م .
- 16 - معجم المصطلحات البلاغية وتطورها ، د، أحمد مطلوب ، مطبعة المجمع العلمي العراقي ، 1985م .
- 17 - الموسوعة الفلسفية العربية (الاصطلاحات والمفاهيم) المجلد الأول ، معهد الاتحاد العربي ، الطبعة الأولى (1986) .

منابع فارسی :

- 18 - تاریخ ادبیات ایران ، تألیف دکتر : ذبیح الله صفا ، خلاصة جلد اول ودوم : ج 1 ، چاپ سیزدهم : 1374 :
 - مؤسسة نشر علوم نوین .
 - 19 - تاریخ ادبیات ایران ، تألیف دکتر: سید اصغر، شریفی ، طغیائی وخوانساری ، تهران ، 1383 هـ. ش.
 - 20 - ترجمان البلاغة ، محمد عمر الرادویانی ، استانبول ، چاپخانه ابراهیم الخروس ، 1949م.
 - 21 - دیوان خلیل الله خلیلی ، با مقدمه دکتر محمد سرور مولائی ، به کوشش محمد ابراهیم شریعتی، چاپ اول ، تهران ، 1978 هـ .ش.
 - 22 - دیوان عنصری : أبو القاسم حسن : به کوشش محمد دبیر سیاقی: چاپ دوم : طهران : 1343 .
 - 23 - دیوان مسعود سعد سلمان ، یا مقدمه رشید یاسمی ، به اهتمام پرویز بابانی ، تهران چاپ اول ، 1383 هـ. ش .
 - 24 - رباعیات عمر خیام ، باهتمام رستم علییف ومحمد نوری عثمانوف ، برهبری یوگنی برتلس ، سلسله آثار ادبی ملک خاور ، ج 2 ، مسکو ، 1959م.
 - 25 - رسائل عمر خیام ، دار النشر للآداب الشرقية، مسکو ، 1962.
 - 26 - لغت نامه ، دهخدا ، تهران ، 1337 هـ .ش.
 - 27 - نگاهی تازه به بدیع : دکتر : سیروس شمیسا : چاپ چهاردهم : تهران 1368 هـ. ش.
 - 28 - دیوان عنصری بلخی : ابو القاسم حسن : به کوشش : محمد دبیر سیاقی : چاپ دوم : تهران : سنایی : 1363 هـ.ش.
- پایان نامه ها (فارسی و عربی) :
- 29 - التضاد في البحث النقدي والبلاغي عند العرب : أركان حسين العوادي : ط د : كلية الآداب : جامعة بغداد : 2006م .
 - 30 - الثنائيات المتضادة في شعر الصعاليك : أطروحة دكتوراه : می ولیم عزیز بطی : بغداد : 2008م .
 - 31 - الثنائيات المتضادة في شعر المخضرمين : أطروحة دكتوراه : نضال أحمد باقر الزبيدي : بإشراف الأستاذ : عبد اللطيف الطائي : 2008م .
 - 32 - لزوميات ابو العلاء و رباعيات خيام : نگارش : عقيل عبد الحسين : 1997.

Summary

The conflicting duality of goodness and evil has a psychological effect on the life of humans, the nature of human beings is originally goodness whereas the tendency of evil flows from the society, therefore the first who found a meaning of evil on earth is kabeel when he quarreled fiercely with his brother who carried in himself all the meanings of goodness and toierance.

In this paper of mine we find that Robaayat Al khayam carries a poetic content of a special meaning in that every expression reflects semantic relationship (the good played a part in the formation lies with and the evil) of which its foundation lies with the human personality (soul), and he (the poet) a scribes it to matters of fate and destiny. This Robaiyat clarifies the poets behaviour in the conflicting duality which had a meaning in both areas of pronounciation and of meaning as fat as the mind and the cotent.

In my research, the artistice skill and soul of the poet and his ability to his working of the good and the evil. Become employ apparent and he managed to convey to the other a true copy of the image he had formed in his mind and leaves a clear personal effect and eventully his verse in the black crow and the while Bind becomes the Vocabulary reaction of the duality of good and evil.